

نقش دولت در رهبری رشد اقتصادی

اکثر موانعی که در راه توسعه اقتصادی موجود است در عین حال که خود علت فقر میشود نتیجه مستقیم آن نیز بشمار میرود. اشکال اساسی کشورهای رشد نیافته همانا دور و تسلسل فقر است. در حال حاضر این فرضیه متداول است که در مراحل اولیه توسعه اقتصادی مردم باید قادر باشند و بخواهند که حد اقل در حدود ۵ الی ۱۰ درصد درآمد مالیات خود را پس انداز کنند و در صنایع آینده کشور خود سرمایه گذاری نمایند. برای آنکه درآمد کشوری ۰.۱٪ ترقی کند باید در حدود دو الی سه درصد درآمد ملی صرف سرمایه گذاری شود البته این میزان باید علاوه بر سرمایه ای باشد که صرف جبران تلف یا فرسودگی تأسیسات موجود میگردد.

در اغلب کشورهای کم رشد در اثر کمی قوه خرید اهالی میزان پس انداز و سرمایه گذاری ناچیز است و قوت قوه خرید اهالی خود معلول ناچیز بودن درآمد واقعی آنان است که باز بنوبه خود نمودار قلت سطح تولید در اثر نداشتن سرمایه میباشد و فقدان سرمایه نتیجه میزان ناچیز پس انداز ملی است و این دور و تسلسل ادامه می یابد مگر آنکه بوسیله بکار بردن طرق زیرین متوقف گردد.

- ۱- بوسیله تولید بیشتر و بهتر.
- ۲- تشویق افراد به پس انداز نمودن آزادانه بمنظور تهیه وجوه لازم برای اجرای برنامه های اقتصادی و جلوگیری از اسراف و تبذیر.
- ۳- تنظیم قوانین مالیاتی عادلانه و اجرای بهتر آن بنحویکه فرار از پرداخت مالیات را غیر ممکن سازد.

- ۴- تشویق سرمایه گذارهای خارجی.
 - ۵- قبول کمکهای بلاعوض از خارج.
- در مورد کشورهایمانند ایران که هنوز کشور بیست کم رشد، سرمایه نقش اصلی را در توسعه و رشد اقتصادی بعهده دارد. نسبت سرمایه و تولید هر چه باشد تجمع سرمایه موجبات تولید بیشتری را فراهم میکند و بالمآل از طریق سطح درآمد بالا تر مجدداً سرمایه گذاری بیشتری را امکان پذیر میسازد و بدین ترتیب جریان رشد و توسعه دور میگردد و پیشرفت مینماید. بطور کلی هر چه میزان توسعه و پیشرفت اقتصادی کشوری زیاد تر باشد درآمد ملی نسبت بجمعیت، یعنی درآمد سرانه آن زیادتر است.

منبع عمده سرمایه گذاری (اگر وامها و کمکهای بلاعوض در نظر گرفته نشود) معمولاً همان پس انداز از افراد است. پس انداز ملی بهترین منبع جهت تأمین هزینه های عمرانی میباشد. مثلاً اگر یک ربع جمعیت ایران روزی یکریال از مخارج غیر ضروری خود کاسته و آنرا پس انداز نماید در پایان سال قریب دو میلیارد ریال ذخیره

موجود خواهد بود که میتواند در راه آبادانی کشور بمصرف برسد. بنابراین جای تعجب نیست که سازمان برنامه امیدوار است بتواند قسمت معتناهی از سرمایه گذاری برنامه پنجساله را از محل پس انداز افراد تأمین نماید. ولی بدیهی است چنانچه افزایش پس انداز همراه با ترقی قیمتها وتورم پول باشد بهمان نسبت از ارزش واقعی مبالغ پس انداز شده کسر خواهد گردید. وباعث خواهد شد که برنامه های عمرانی بلااجرا باقی بماند و ذخیره ارزی کشور نیز کفاف واردات ضروری را ندهد. کشور ما متأسفانه دارای وضع بحرانی اقتصادی است. این عراق کوئی نیست بلکه حقیقتی است انکار ناپذیر زیرا اگر درست دقت نمائید هم مردم بی پولند وهم دولت تمام ذخیره ارزی خود را مصرف کرده و تازه مبلغی هم کسری دارد و هر سال باید بین ۷۵ تا ۵۰ میلیون دلار اقساط قروض خود را بدهد. مثلاً در سال ۱۳۴۰ ارز دریافتی کشور ۶۷۴/۷ میلیون دلار گردید گرچه ارز پرداختی ۶۵۰/۹ میلیون دلار بوده ولسی از مبلغ ارز دریافتی ۶۷۴/۷ میلیون دلار حقیقاً بایستی دو رقم یکی ۱۰۳/۵ میلیون دلار وام خارجی و دیگری ۳۰ میلیون دلار کمک خارجی را کسر نمود. بنابراین کسری حقیقی ۱۰۹/۷ میلیون دلار میشود و دولت مواجهه باین کسری عمده در موازنه ارزی حقیقی میباشد. این امر باعث دور و تسلسل و شدت تورم میگردد. وقتی کشوری برای خرید مایحتاج خود ارز نداشت از مزایای تجارت خارجی بهره مند نمیشود وبالمال سطح زندگی اهالی آن پائین می آید. از طرفی چون یکی از راههاییکه موقتاً از شدت تورم میکاهد واردات است نداشتن ارز کافی این راه را نیز مسدود مینماید. عدم تعادل اقتصاد در چنین جامعه ای موجب تیره روزی و ناامنی و فرار سرمایه بخارج میشود. فعالیت وسیع وارداتی کشورهای کم رشد هم نتیجه وهم علت کمی سرمایه گذاری در صنایع ملی است.

بطوریکه اشاره گردید افزایش پس اندازها ملازمه با تقلیل مصرف دارد لیکن دولت باید خود در تقلیل مصرف پیش قدم شود و برای افراد سرمشق باشد. در روسیه دولت مصرف کنندگان را مجبور نمود که میزان مصرف خود را تقلیل دهند و نتیجه ای که گرفت این بود که مابه التفاوت در امور عمرانی سرمایه گذاری شد. البته تقلیل مصرف هم حدی دارد و اگر از ظرفیت تولیدی داخلی کالاهای مصرفی پائین تر برود فعالیت های تولیدی داخلی را خنثی میسازد. مثلاً اگر تعدادی کارمند و کارگر که در کارخانجات کشور بامور تولیدی اشتغال دارند و در آمدی کسب مینمایند در عین حال که خودشان مصرف کننده هستند و با قوه خرید خود صنایع مملکتی را تشویق مینمایند و هر آینه تقلیل مصرف موجب شود که فرآورده های این کارخانجات ملی بفروش نرود ر کود اقتصادی حکمفرما خواهد شد. کشورهای توسعه نیافته در مراحل اولیه اجرای طرح های عمرانی خود از سرمایه های خارجی استفاده مینمایند ولی در مراحل بعدی از سرمایه خارجی فقط برای افزایش ضرب پس انداز استفاده میگردد. حالاً اگر پس انداز داخلی کافی نباشد با اجازه داده شود آزادانه از مملکت خارج گردد بدیهی است بر مشکلات اقتصادی کشور افزوده میگردد. انگلستان با وجود آنکه بمراتب از کشور ما غنی تر است و از لحاظ صنعتی و اقتصادی دارای وضع محکمی است هیچگاه اجازه نمیدهد که از پس انداز داخلی

بیشتر از يك مبلغ جزئی در حدود دو بیست و پنج-هه پوند برای هر مسافر در سال از کشور خارج گردد. مکرر در ایران شنیده میشود که وضع اقتصادی خراب است. اعتماد مردم از همه کس سلب گردیده است. بدبینی بین مردم شیوع یافته و باهر سرمایه گذاری رغبتی نشان نمیدهند. بیسکازی فراوان و قیمتها دائماً در ترقی است. طبعاً این سؤال پیش می آید که چرا دولت اجازه میدهد این معایب رخنه بیشتری کند و اقتصاد مملکت رو بانحطاط رود که موجب عدم اعتماد مردم بدولت خود گردد و در تمام شئون زندگی در ایران باس و ناامیدی بوجود آورد. اگر ثروتمندان مملکت پول خود را در بانکهای خارجه سپارند یا وسیلهای نداشته باشند که بدینکار اقدام نمایند دیگر دولتها تا این اندازه احتیاج نخواهند داشت که برای اجرای برنامههای ضروری اقتصادی از محلهائیکه موجب مقروض شدن نسلهای آینده کشور خواهد شد بطور بی بند و بار استفاده نمایند. در همین باب سخت افراد سرشناسی هستند که علناً چه در محوطه بانکهای بزرگ و چه در مغازههای صرافی خود بلا معارض بخرید و فروش ارز قاچاق مشغولند و هر کسی هر مبلغی از پس انداز خود را بخواهد بهر کشور دیگر منتقل نماید سهولت میتواند توسط افراد مزبور منظور خود را ظرف چند دقیقه عملی سازد. آیا دولت میتواند ادعا نماید که باین حقایق علمی آگاه نیست یا نمیداند که تعداد کثیری از ایرانیان وجوه هنگفتی در بانکهای خارجی سپرده دارند که مبلغ آن شاید میزان وامهای دریافتی از خارج را تحت الشماع قرار میدهد؟ آیا این اوضاع و احوال بامقررات و تضییقات ارزی کشور منافات ندارد.

برنامه سوم بمنظور انجام اصلاحات اساسی در شئون اداری و روابط اجتماعی و پدید آوردن يك تحول اخلاقی در جامعه و بوجود آوردن حس تعاون و همکاری و افزایش تولید ملی احتیاج مبرمی بسرمایه گذاری خصوصی دارد و اگر دولت این راههای نامشروع فرار سرمایه را مسدود ننماید عدم استفاده از ذخیره داخلی موجب خواهد شد که حتی هدف اصلی برنامه سوم یعنی افزایش درآمد ملی کشور بمیزان لااقل ۶ درصد در سال نیز تأمین نگردد چه رسد بتأمین هدفهای ثانوی از قبیل: ایجاد تعداد متناسبی مشاغل جدید، توزیع عادلانه تر درآمد، و ایجاد امکانات برای پرورش استعداد های فردی از طریق اصلاحات ضروری خصوصاً در زمینه کشاورزی.

این تحولات مستلزم همکاری است. برای آنکه بتوان بخوبی از عهده حل این مسائل برآمد دولت باید نقش رهبری جدی را بعهده بگیرد بدینمعنی که مسائل مزبور را بدقت بررسی کند و تدابیر لازم برای حل آنها اتخاذ نماید. دولت نباید اجازه دهد که دور و نسلسل فقر ادامه یابد و پس انداز داخلی از مملکت خارج گردد.

در چندین سال اخیر فعالیتهای اقتصادی ایران فقط در امور ساختمانی توسعه قابل توجهی نموده است. درست است که کارهای ساختمانی هم تولید خدمت مینماید ولی سؤال در اینست که آیا این قبیل فعالیتهای ایجاد قوه خریدی که ایرانی بدان احتیاج مبرمی دارد کرده است یا نه؟

در اثر بورس بازی زمین و عدم دخالت دولت یکعمده از برکت اینگونه کارهای

غیر عمرانی صاحب همه چیز شده‌اند و شکاف یزر کی میان طبقات فقیر و ثروتمند بوجود آورده‌اند. البته این شکاف طبقاتی نه تنها امری است داخلی بلکه جنبه بین‌المللی نیز بدنبال دارد. اخیراً تخمین زده شده است که حد متوسط درآمد سرانه در یکصد کشور کم‌رشد که ۱۲۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد - خارج از بلوک کمونیست - در حدود ۱۰۰ دلار در سال است. این رقم با مقایسه ۵۵۰ دلار در روسیه ۷۰۰ دلار در کشورهای عضو بازار مشترک و در حدود ۲۰۷۵ دلار در آمریکا حکایت از اوضاع اسفناک کشورهای کم‌رشد مینماید. از طرفی ناگفته نماند که در حال حاضر درآمد سرانه مردم کشورهای صنعتی بطور متوسط $2\frac{1}{4}$ در صد در سال افزایش می‌یابد در حالیکه میزان افزایش درآمد سرانه در کشورهای کم‌رشد فقط یک‌در صد در سال است.

طبق تصویب نامه جدید دولت با توجه به توانائی مالی کشور مقرر گردیده‌است که یکصد و چهل میلیارد ریال از محل درآمد های عمومی و درآمد نفت بطرحهای عمرانی برنامه سوم اختصاص داده شود و این رقم پنجاه میلیارد ریال کمتر از مبلغی میباشد که در ابتدای امر برای برنامه سوم در نظر گرفته شده بود. در طی مدت اجرای برنامه هر سال سهم بیشتری از درآمد نفت بمصرف امور عمرانی خواهد رسید. اصولاً بدرامدی که از طریق صادرات نفت بدست می‌آید نمیتوان عنوان عایدی داد و آنرا بمصارف جاری رسانید بلکه باید بنحوی مورد استفاده قرار گیرد که ثروت دیگری جانشین آن گردد و صرفاً به برنامه های عمرانی تخصیص داده شود و درآمد حاصله از محل سایر عوارض و مالیاتها بمصرف حوائج عمومی کشور برسد. مصلحت کشور هم ايجاب مینماید که بودجه دولتی بدون توجه بدراآمد نفت موازنه داشته باشد تا اگر خدای نکرده روزی در میزان آن درآمد تقلیلی روی داد یا بعللی جریان نفت متوقف گردید مملکت دچار ورشکستگی نشود. بحران ۱۹۵۰ نفت ایران در فلج ساختن برنامه های عمرانی کشور مؤید این مقال است و موجب تضییع دولت در مقابله با تحمیلات خارجی شد.

اگر واقعاً سازمان برنامه از پشتیبانی دولتها برخوردار شود دولتها نقش رهبری را در رشد اقتصادی ایفاء نمایند امید موفقیت میرود. همزمان با اصلاحات اقتصادی باید در سازمانهای دولتی اصلاحات عمیق ودامنه‌داری نیز صورت بگیرد. صحت عمل و وظیفه شناسی کارمندان دولت تأمین شود و امنیت قضائی برای عموم فراهم گردد باید در نظر داشت که تمام رشته های زندگی اجتماعی بهم مرتبط میباشند و باید متناسب باهم ترقی نمایند. اگر ادارات دولتی ووظائف خود را از روی حسن نیت وپاکی وبی طرفی انجام ندهند امنیت جان ومال وناموس وحیثیت مردم فراهم نباشد ازاصلاحات اقتصادی هیچگاه نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد. دولتها باید خود در صرفه جوئی و اجتناب از هزینه های غیر ضروری برای ملت سرمشق باشند تا اعتماد عامه را جلب نمایند و مردم با آنها همکاری کنند. برای حسن انجام برنامه قوه خرید داخلی وخارجی پول ایران باید نسبتاً ثابت بماند تا از ترقی قیمتها جلوگیری شود. برعهده دولت است که تدابیری اتخاذ نماید تا خطر فنزل قوه خرید پول منتفی گردد. همه میدانند که از طریق مالیات

میتوان در ثروت طبقات مختلف جامعه تعدیل کرد و بدینوسیله از نفوذ ثروتمندان و اشراف در مداخلات مضر امور کشور کاست. در کشور ما بیشتر تحمیلات متوجه طبقات مصرف کننده شده است و مالیاتهای مختلفه بر مصارف و مایحتاج اولیه مردم چه از راه مالیاتهای غیر مستقیم و چه از راه حقوق گمرکی و عوارض انحصاری قسمت اعظم در آمد های دولت را تشکیل میدهد در صورتیکه سهم مالیات مستقیم نسبتاً ناچیز است. چرا همانطور که در ممالک راقیه مرسوم است درآمدهای سرشار ثروتمندان بصورت تصاعدی مشمول مالیات نمی شود؟ آیا هیچگاه دولت درصد برآمده است که درآمدهای اتفاقی افرادی را که در اثر بورس بازی زمین صاحب همه چیز شده اند مورد رسیدگی قرار دهد و مالیات متناسبی از آن وصول نماید؟

دریافت قرضه از کشورهای خارجی (قرض خارجی دولت تا اول فروردین ماه ۱۳۴۱ از ۳۷۲ میلیون دلار تجاوز میکند) - تعویق پرداخت اقساط وامهای سابق (در هر سال ۵۰ تا ۷۵ میلیون دلار) - اخذ قرضه از بانک مرکزی بانشر اسکناس - دریافت مالیات بیشتر مستقیم و غیر مستقیم - کم کردن مخارج عمرانی - هیچیک به تنهایی قادر بحل مشکلات ایران نخواهد بود. این کشور باید از کمک داخلی افراد برخوردار باشد و رشد اقتصادی خود را بدست مردم خویش را پایه گذاری کند و قسمت معتناهی از احتیاجات مختلفه خود را تولید نماید یا کالاهائی تهیه کند که سایر کشورها حاضر بخیرید آن باشند. و اممائیکه از دولتهای خارجی اخذ میگردد نملهای آینده را مدیون مینماید. بدبختانه نحوه استفاده از قرضه در ایران در گذشته طوری بوده که بر تولید اضافه نگروده است تا محصولات آن جایگزین کالاهای وارداتی شود یا بخارج صادر گردد و از محل تفاوت ارز حاصله پرداخت بهره و اصل قرض خارجی ممکن گردد و در ضمن مازاد آن صرف سرمایه گذاری های جدیدی شود. ایجاد و توسعه صنایع داخلی که محصولات آن جانشین کالا های مصرفی وارداتی بشود راه حل قطعی و ضروری برای رفع مشکلات ایران است و الا وام خارجی ثمر نخواهد داشت و خود موجب بروز اشکالاتی خواهد گردید که در فوق بدانها اشاره شد. استقراض از بانک مرکزی باعث افزایش قیمتها و ایجاد عدم تعادل اقتصادی زیادتیری می گردد. افزایش مالیات غیر مستقیم هم نه تنها غیر عادلانه است بلکه سبب افزایش قیمتها نیز می گردد. کم کردن مخارج عمرانی دولتها بخصوص در موقعی که دستگاههای خصوصی علاقه چندانی بر سرمایه گذاری نشان نمی دهند موجب افزایش بیکاری و کاهش در آمد ملی میگردد و تا موقعیکه جمعیت کشور در حدود ۲/۲ درصد سالیانه بالا میرود با پائین رفتن در آمد ملی وضع مردم بدتر میشود. همانطور که اشاره گردید قرار است که سازمان برنامه در ۵ سال ونیم مبلغ ۱۴۰ میلیارد ریال که برابر است با ۱۸۶۷ میلیون دلار در رشته های مختلف عمرانی از قبیل کشاورزی - آبیاری - عمران دهات - ارتباطات - صنایع - برق - فرهنگ - بهداشت و شهرسازی سرمایه گذاری نماید.

پیش بینی گردیده است که در آمد نفت هر سال ۶/۵ در صد نسبت بسال قبل افزایش حاصل نماید. اگر در آمد نفت در سال ۱۳۴۱ پس از کسر ۷ میلیون دلار

غرامت بشرکت نفت- انگلیس (پرداخت این غرامت سالیانه بشرکت نفت انگلیس در آخر سال ۱۳۴۴ پایان می‌یابد) سیصد میلیون دلار محاسبه گردد در آمد ایران از نفت در پنج سال ونیم آینده در حدود ۱۹۹۱ میلیون دلار یعنی برابر ۱۴۹ میلیارد ریال میشود. سهم - ازمان برنامه از درآمد مزبور در شش ماهه دوم سال جاری ۵۵ درصد می‌شود که در حدود ۶۵ میلیارد ریال یعنی برابر ۸۳ میلیون دلار است. بین سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۶ طبق تصویبنامه اخیر هیئت وزیران سهم سازمان برنامه به ترتیب از درآمد نفت ۶۰ و ۶۵ و ۷۰ و ۷۵ و ۸۰ درصد درآمد نفت یعنی جمعاً در حدود ۱۳۰۲ میلیون دلار برابر ۹۸ میلیارد ریال خواهد شد. اگر این دورقم را باهم جمع کنیم برقم ۱۳۸۵ میلیون دلار برابر با ۱۰۴ میلیارد ریال خواهیم رسید که تقریباً ۷۴ درصد سرمایه گذاری برنامه سوم طبق این تصویبنامه میبایستی از محل درآمد نفت تأمین گردد.

بنا بر این اگر سهم درآمد نفت به‌یزانی که مقرر گردیده است مرتباً بسازمان برنامه برسد سازمان مزبور مواجه با اشکال مالی نخواهد گردید. سهم دولت از درآمد نفت در پنج سال ونیم آینده به‌ترتیب ۴۵ و ۴۰ و ۳۵ و ۳۰ و ۲۵ و ۲۰ درصد از درآمد نفت است که در حدود ۶۰۶ میلیون دلار برابر ۴۵۰ میلیارد ریال خواهد شد. برای کشوری چون ایران که در آمد های هنگفتی از استخراج نفت بدست می‌آورد در واقع يك پس انداز ملی گرانهاست. در ۷ سال گذشته ایران متجاوزاً از ۵۰۰ میلیون لیره استرلینگ برابر ۱۱۰ میلیارد ریال درآمد نفت داشته است اگر اتفاق غیر مترقبه‌ای روی ندهد چون تقاضای مواد نفتی روافزایش می‌یابد و ذخیره نفتی ایران فراوان است احتمال قوی می‌رود که درآمد نفت ایران زیادتیر گردد مخصوصاً که در طی سالهای آینده شرکتهای پان‌آمریکن آمریکائی و آجیب ایتالیائی که در حوزه عملیات خود بنفت رسیده‌اند مقداری نفت بمیزان تجارتی صادر خواهند نمود و بر میزان درآمد ایران که در هردو شرکت نامبرده بالمناصفه شریک است افزوده خواهد گردید. چون درآمد نفت به ارز خارجی وصول می‌گردد تضییقات ارزی که معمولاً برای غالب کشورهای توسعه نیافته وجود دارد مانع ترقی کشور ایران نیست. ثمره سرمایه گذاری‌هایی را که فعلاً از محل درآمد نفت بعمل می‌آید باید در مقابل نقصان این منابع تمام شدنی درآینده و بازگشت ناپذیر اندازه گرفت و توجه مبذول داشت که نه تنها از جهت حساب صحیح خرج بدخل سرمایه بلکه برای ادامه یافتن برنامه توسعه اقتصادی باید میزان استهلاک و تقلیل این منابع طبیعی را با میزان اکتشاف منابع جدید مقایسه کرد. بنابر این سرمایه گذاری در راه پیدا کردن منابع جدیدی که بتوانند جای منابع سرشار نفتی فعلی را بگیرند و نقصان چنین درآمد ملی را درآینده جبران کنند نهایت ضرورت دارد، همچنین دولت‌ها بایستد برای افزایش حجم صادرات، بمنظور تهیه ارز بیشتر، بتولید کنندگان داخلی کمکهای مالی نمایند تا نیروی رقابت آنان در مقابل خارجیان تقویت گردد.

جای بسی خوشوقتی است که بالاخره تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه قانون اصلاحات ارضی هم اکنون در سراسر کشور با علاقه مندی و سرعت و دقت خاصی بموقع

اجرا گذارده میشود و میتوان امیدوار بود که هر آینه بطبقه زارعین (که ۸۰ درصد جمعیت یعنی ۱۶ میلیون نفر جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند) راهنمایی و کمک لازم بشود و شرکتهای تعاونی نقش مساعدتی خود را درست ایفا نمایند تولید کشاورزی افزایش یابد و زارعین از ثمره زحمت خود برخوردار گردند و در رفاه بیشتری زندگی کنند. دولت باید مخصوصاً در این مورد نهایت مراقبت را مرعی دارد. این نهضت ملی همچنان به پیشرفت خود ادامه دهد و از گزند احتمالی دسیسه‌ها و خراب کاری مصون بماند.

البته کفتمنی‌ها زیاده است و هر یک از مسائل و نکات مذکور در این مقاله خود به تنهایی میتواند موضوع تجزیه و تحلیل دامنه داری واقع گردد و امیدوار است علاقمندان به پیشرفت ایران مسائل مزبور را مورد توجه و تأمل و عمل قرار خواهند داد.

دکتر منصور صدیقی



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی